

بررسی شاخص رفاه اجتماعی طی نیم قرن در مناطق شهری کشور

سیف‌الله اسلامی^۱

Eslami@mefa.gov.ir

^۱ سیف‌الله اسلامی، کارشناس اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

چکیده:

دولت‌ها در دوره‌های زمانی خاصی، ناچار به مداخله در برخی امور تصدی‌گری می‌شوند. برخی از این مداخلات در حوزه رفاه اجتماعی و عمومی و به طور خاص افزایش در نرخ رشد اقتصادی به همراه گسترش حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر جهت کاهش فاصله طبقاتی و بهبود در توزیع درآمد در جامعه و نهایتاً افزایش رفاه اجتماعی صورت می‌پذیرد.

نتایج بدست آمده از بررسی شاخص رفاه اجتماعی طی نیم قرن در مناطق شهری کشور نشان می‌دهد که پایین‌ترین رقم این شاخص با $44/8$ واحد در سال 1348 و بالاترین رقم این شاخص با $102/2$ واحد در سال 1386 بوقوع پیوسته است. در سال‌های بعد از 1386 ، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب جینی در مناطق شهری کشور، بدلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (بجز سال 1389) شاخص رفاه اجتماعی با کاهش قابل توجهی طی سال‌های $95-1387$ مواجه شده است. رقم این شاخص در سال 1396 به 85 واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه اجتماعی در سال 1382 می‌باشد.

در زیر مجموعه امور اقتصادی، برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه اجتماعی، بطور همزمان نیاز به نرخ رشد بالای تولید ناخالص داخلی و کاهش ضریب جینی می‌باشیم. نتیجه‌ای که دسترسی به آن در شرایط کنونی بسیار دشوار بنظر می‌رسد. مگر اینکه تمامی حاکمیت با همراهی مردم با تلاش و کار طاقت فرسا و از خود گذشتگی به این مهم دست یابند.

مقدمه:

برای بهبود رفاه اجتماعی، اجرای سیاست‌های مناسب پولی، مالی و طرف عرضه برای افزایش نرخ رشد تولید به‌همراه سیاست‌های حمایتی از روش‌های مورد پذیرش کشورها در هر سطحی از توسعه اقتصادی است. از اهداف مهم برقراری پرداخت‌های انتقالی (یارانه‌ها) درخصوص مصرف، حمایت از طبقات ضعیف جامعه، افزایش رفاه آنان به همراه برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است. دراین ارتباط نگاهی به روند پرداخت یارانه در کشور صورت می‌گیرد

پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰ بازمی‌گردد. افزایش درآمدهای کشور که ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت خام بدلیل شروع جنگ اسرائیل با مسلمانان بود، امکانات مالی و ارزهای خارجی زیادی را به کشور منتقل نمود. نبود سیاست مشخصی برای استفاده از امکانات فوق برای توسعه و پیشرفت کشور و همچنین عدم برنامه ریزی کشور پیرامون اتخاذ سیاست‌های مناسب در قبال تحول مذکور، باعث شد که حجم زیادی از منابع مذکور از طریق تبدیل ارزهای خارجی به ریال توسط بانک مرکزی و در نتیجه سرازیرشدن نقدینگی ایجاد شده به جامعه، گروه‌های خاصی از جامعه توانستند از امکانات ایجاد شده آن استفاده نموده ولی مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ، مناطق کوچک شهری و روستایی تنها معایب چنین تحولاتی را دریافت نمودند. این امر سبب ایجاد بی عدالتی اقتصادی (افزایش ضریب جینی) بین گروه‌ها و مناطق مختلف در کشور گردید. عوامل فوق به همراه افزایش هزینه‌های خانوارها و دولت و همچنین گسترش مصرف‌گرایی و عدم توانایی تولید داخلی در پاسخ به تقاضاهای جدید، موجبات افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور را فراهم نمود. دولت برای حفظ قدرت خرید طبقات وسیعی از جامعه، اقدام به واردات انبوه کالاهای اساسی و همچنین پرداخت یارانه به برخی از کالاهای اساسی نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش بیشتر نقش دولت، اینگونه پرداخت‌ها گسترش بیشتری یافت. معه‌ذا پدیده‌هایی نظیر افزایش نرخ رشد جمعیت و مهاجرت به شهرها، تغییر ساختار کشاورزی کشور و.... منجر به استفاده بیشتر دولت از درآمدهای نفتی، کاهش سهم مالیات‌ها در بودجه دولت، افزایش تعداد خانوارهای فقیر، افزایش بیکاری و تورم در جامعه، و نهایتاً بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی (افزایش ضریب جینی) و کاهش شاخص رفاه اجتماعی در بسیاری از سال‌های نیم قرن اخیر را در جامعه فراهم ساخت.

اهداف یارانه

در نظریات اقتصادی، یارانه‌های مصرفی در قالب تابع مصرف خانوارها و یارانه‌های تولیدی جهت کاهش هزینه‌های تولید، تحت عنوان پرداخت‌های انتقالی دولت به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مطرح می‌شود ولی بصورت کلی پرداخت‌های انتقالی دولت (یارانه) می‌تواند برای سه هدف عمده اقتصادی دولت، دارای نقش اساسی و محوری باشد.

۱. رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی:

نظریات مختلف و بعضاً متناقضی در زمینه رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی وجود دارد. بطور کلی بر اساس نظریه بازار رقابت کامل در پروسه حداکثر نمودن سود در تولید کالا و خدمات، هر عاملی از تولید، سهمی از آن را بدست می‌آورد. با تأکید به این مسئله بسیاری بر این باورند که با رشد تولید، وضعیت رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی نیز در بلند مدت بهبود می‌یابد با این حال با عنایت به بروز انحصارات و بکارگیری شیوه‌های نوین در تولید کالاها و خدمات، بنظر نمی‌رسد که در کوتاه مدت شیوه فوق بتواند در این زمینه موثر واقع گردد. از آنجاییکه رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی یکی از آرمان‌های اصولی هر جامعه بوده و امروز بلحاظ اهمیت موضوع به یکی از اهداف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهمی برای دولت‌ها تبدیل شده است. به همین منظور دولت جهت بهبود در رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی از اهرم‌های مالی (مالیات و پرداخت‌های انتقالی) استفاده می‌نمایند.

۲. سیاست‌های تثبیت اقتصادی:

نوسانات شدید قیمتها معمولاً بصورت دوره ای ظاهر شده و باعث فراهم نمودن شرایط رکود تورمی را بوجود می‌آورند. این امر موجبات بدبینی سرمایه‌گذاران و در نتیجه در بلند مدت اثرات منفی بر رشد و توسعه اقتصادی می‌گذارد. جهت جلوگیری از چنین نوساناتی، دولت‌ها عموماً با استفاده از اهرم‌های مختلف نظیر اهرم مالی در اقتصاد، مداخله نموده و سیاست‌های تثبیت اقتصادی را در این زمینه بکار می‌برند.

۳. استفاده بهتر از منابع کمیاب:

در اقتصاد یک کشور بصورت دوره‌ای شرایطی بوجود می‌آید که نتیجه آن بروز نوسانات اقتصادی است. به عبارت بهتر شرایطی در اقتصاد بوجود می‌آید که رسیدن به بهینه پاراتو امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی دولت با استفاده از ابزارهای مالی نظیر تغییر در نظام مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی (یارانه) بازار را به تخصیص بهینه دوم پاراتو هدایت می‌نماید.

یکی از مهمترین شیوه‌های سیاست حمایتی، پرداخت یارانه است که با توجه به پیچیده‌گی و تنوع و کاربرد آن، طبقه بندی‌های خاص خود را دارد. لیکن در این مقاله به نوعی از یارانه‌ها که از نظر هزینه، بصورت آشکار در قانون بودجه قابل انعکاس می‌یابد، اشاره خواهد شد. به عبارت دیگر در این مقاله بحثی پیرامون یارانه‌های پنهان (اختلاف نظرهای زیادی در این زمینه وجود دارد) صورت نمی‌گیرد

نسبت یارانه‌های پرداختی به برخی از متغیرها

۱. نسبت یارانه به کل بودجه دولت

با عنایت به اینکه مبالغ یارانه‌ها در قالب هزینه‌های عمومی بودجه دولت انعکاس می‌یابد بنابراین نسبت یارانه به کل بودجه دولت بعنوان شاخص قابل اعتمادی از سیاست‌های حمایتی دولت می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. براساس آمار و اطلاعات جدول شماره (۱) ملاحظه می‌گردد که طی سال‌های ۶۸-۱۳۵۸ نسبت مخارج یارانه به هزینه‌های بودجه با تغییرات ناچیزی همراه بوده است، لیکن از سال ۱۳۶۹ به بعد این سهم از افزایش نسبتاً بالایی برخوردار می‌شود، بطوری که در سال ۱۳۷۳، ۱۲/۷ درصد از کل بودجه دولت صرف پرداخت یارانه گردیده و بعد از این سال روندی کاهشی را طی نموده است.

با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً افزایش شدیدی را تجربه نموده بطوری‌که این نسبت در سال ۱۳۹۳ به حدود ۳۰ درصد بالغ می‌گردد. در این شرایط دولت بدلیل فراگیر بودن پرداخت یارانه به همه مردم کشور طی سال‌های گذشته دچار مشکلات عدیده‌ای برای تامین منابع آن بوده است. معهداً از سال ۱۳۹۳ به بعد این نسبت کاهش یافته بگونه‌ای که در سال ۱۳۹۶ این نسبت به ۱۸/۸ کاهش یافته است..

۲. نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی

نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی شاخص دیگری است که طی چهار دهه گذشته با رشد بسیار زیادی همراه بوده و نشان می‌دهد که دولت در سال‌های ۷۵-۱۳۷۲ بدلیل یکسان سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور و در نتیجه افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی که به آن یارانه پرداخت می‌شود، نزدیک به نصف دریافت‌های خود از طریق مالیات را بصورت یارانه پرداخت نموده است. در سال‌های بعد این نسبت بصورت نوسانی تغییراتی را تجربه نموده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً افزایش شدیدی را در تجربه نموده است بگونه‌ای که دولت طی سال‌های ۹۲-۱۳۹۰

بیش از مقداری که مالیات دریافت نموده، یارانه پرداخت کرده و در سالهای بعد این نسبت کاهش شدیدی را به نمایش می‌گذارد بگونه‌ای که در سال ۱۳۹۶ این نسبت به ۵۲ درصد کاهش می‌یابد

۳. نسبت یارانه به تولید ناخالص داخلی

این شاخص می‌تواند نشان دهنده جایگاه سیاست‌های حمایتی دولت را در اقتصاد به نمایش بگذارد (البته در صورت عدم فراگیر بودن پرداخت یارانه به همه طبقات مختلف) آمار و اطلاعات چهار دهه گذشته اقتصاد ایران در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که این نسبت تا قبل از آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها حول محور ۲ درصد در نوسان بوده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها این نسبت با افزایش قابل توجهی به بالاتر از ۶ درصد در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ رسیده و بعد از آن کاهش می‌یابد بطوری که در سال ۱۳۹۶ این نسبت به حدود ۴ درصد کاهش یافته است.

۴. یارانه سرانه

شاخص دیگری که می‌تواند نشان دهنده ابعاد سیاست‌های حمایتی دولت باشد، یارانه سرانه است. از آنجا که افزایش جمعیت موجب افزایش تقاضا برای دریافت یارانه نقدی و کالاهای اساسی یارانه‌ای می‌گردد، در نتیجه یارانه سرانه بعنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی می‌تواند وضعیت پرداخت‌های انتقالی دولت به جامعه را نمایان سازد.

آمار و اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که با افزایش حجم جمعیت میزان یارانه‌ها نیز افزایش یافته و سرانه پرداخت‌های یارانه‌ای به قیمت‌های جاری نیز روندی افزایشی به خود گرفته است، اما با تعدیل یارانه‌های پرداختی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ ملاحظه می‌گردد که به‌رغم روند صعودی یارانه سرانه (به قیمت جاری) که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و در سال ۱۳۹۶ به اوج خود رسید. آثاری که پرداخت این یارانه‌ها بر افزایش قدرت خرید مردم داشته بسیار اندک بوده است. بنابراین گرچه دولت همه ساله مبالغ بسیاری از بودجه عمومی را صرف پرداخت یارانه نقدی و یارانه کالاهای اساسی نموده است، اما به‌دلیل فراگیر بودن این پرداخت‌ها تأثیر قابل توجهی در بهبود وضع معیشتی اقشار کم درآمد جامعه در بر نداشته و ارزش واقعی کمک‌های دولت بر الگوی تغذیه اقشار کم درآمد جامعه درخور توجه نبوده است.

جدول ۱. یارانه‌ها و سهم آن از برخی متغیرهای کلان اقتصادی (۱۳۹۵=۱۰۰)

سال	کل یارانه‌ها به قیمت جاری (میلیارد ریال)	بودجه دولت به قیمت جاری (میلیارد ریال)	نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت (درصد)	نسبت یارانه‌ها به درآمد مالیاتی (درصد)	نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی (درصد)	یارانه سرانه به قیمت جاری (میلیون ریال)	یارانه سرانه به قیمت ثابت (میلیون ریال)
۱۳۵۲	۷/۳	۵۳۱/۴	۱/۴	۵/۵	۰/۷۲	۲۳۳	۲۳۸/۰
۱۳۵۳	۶۴/۰	۱۱۷۴/۴	۵/۴	۴۰/۷	۲/۲	۲۰۰۴	۲/۶۱
۱۳۵۴	۱۱۷/۱	۱۴۹۶/۲	۷/۸	۴۳/۳	۳/۶	۳۵۶۹	۴/۱۹
۱۳۵۵	۸۴/۰	۱۶۷۵/۴	۵/۰	۲۴/۵	۱/۹	۲۴۹۱	۲/۴۷
۱۳۵۶	۶۵/۸	۲۱۷۴/۹	۳/۰	۱۴/۸	۱/۳	۱۸۷۸	۱/۵۱
۱۳۵۷	۴۲/۶	۲۰۴۴/۲	۲/۱	۹/۱	۰/۸۵	۱۱۷۱	۰/۸۵۵
۱۳۵۸	۷۹/۲	۲۰۱۸/۲	۳/۹	۲۱/۵	۱/۳	۲۰۹۶	۱/۳۷
۱۳۵۹	۷۳/۳	۲۲۴۹/۳	۱/۷	۱۱	۰/۵۹	۹۵۰	۰/۴۹۹
۱۳۶۰	۸۱/۳	۲۷۰۷۱	۳/۰	۱۴/۷	۱/۱	۱۹۹۱	۰/۸۵۱
۱۳۶۱	۱۰۹/۷	۳۱۶۶/۳	۴/۱	۱۷/۹	۱/۱	۲۵۸۷	۰/۹۳۱
۱۳۶۲	۱۰۶/۱	۳۶۷۱/۷	۳/۵	۱۳/۳	۰/۸۵	۲۴۰۶	۰/۷۵۴
۱۳۶۳	۱۰۲/۲	۳۳۵۳/۶	۲/۹	۱۳/۴	۰/۸۹	۲۶۲۲	۰/۷۳۸
۱۳۶۴	۱۱۶/۴	۳۳۱۳/۶	۳/۶	۱۱/۳	۰/۸۱	۲۴۴۵	۰/۶۴۵
۱۳۶۵	۱۲۷/۱	۳۱۵۶/۸	۴/۰	۱۲/۴	۰/۸۷	۲۵۷۵	۰/۵۵۱
۱۳۶۶	۱۰۴/۵	۳۶۴۰/۶	۲/۹	۱۰/۲	۰/۵۸	۲۰۶۴	۰/۳۴۶
۱۳۶۷	۹۰/۶	۴۲۱۰/۶	۲/۲	۹/۲	۰/۴۵	۱۷۵۳	۰/۲۲۸
۱۳۶۸	۱۶۲/۵	۴۳۱۶/۷	۳/۸	۱۳/۷	۰/۶۵	۳۰۵۶	۰/۳۳۸
۱۳۶۹	۴۰۳/۹	۶۰۵۱/۱	۶/۷	۲۳/۸	۱/۲	۷۴۱۲	۰/۷۵۳
۱۳۷۰	۵۱۴/۹	۸۰۹۰/۹	۶/۴	۱۸/۶	۱/۱	۹۲۲۲	۰/۷۷۶
۱۳۷۱	۱۰۶۳/۸	۱۰۷۵۶/۸	۹/۹	۲۷/۷	۱/۶	۱۸۴۴۵	۱/۲۵
۱۳۷۲	۲۳۳۷/۷	۲۰۸۸۶/۹	۱۱/۲	۵۲/۳	۲/۱	۳۶۹۵۷	۲/۰۴
۱۳۷۳	۳۶۸۶/۱	۲۸۹۱۲/۴	۱۲/۷	۶۷/۱	۲/۸	۶۳۱۹۷	۲/۵۷
۱۳۷۴	۴۸۹۵/۱	۴۱۳۳۱	۱۱/۸	۶۶/۹	۲/۶	۸۲۷۰۴	۲/۲۶
۱۳۷۵	۶۴۳۷	۵۶۷۸۳	۱۱/۳	۵۱/۳	۲/۷	۱۰۷۱۸۵	۲/۳۷
۱۳۷۶	۵۸۰۱	۶۵۰۷۵	۸/۹	۳۳/۴	۲	۰۹۴۹۸۹	۱/۷۹
۱۳۷۷	۶۲۹۴	۶۴۳۵۹	۹/۸	۳۳/۷	۱/۸	۱۰۱۳۴۸	۱/۶۲
۱۳۷۸	۷۶۵۱	۹۴۵۷۲	۸/۱	۲۹/۶	۱/۸	۱۲۱۱۵۲	۱/۶۱
۱۳۷۹	۸۳۹۰	۱۰۷۰۲۹	۷/۸	۲۵/۵	۱/۶	۱۳۰۶۴۷	۱/۵۴
۱۳۸۰	۱۰۴۶۸	۱۲۸۲۴۴	۸/۲	۲۷	۱/۸	۱۶۰۳۰۴	۱/۷۰

ادامه جدول ۱

سال	کل یارانه ها به قیمت جاری (میلیارد ریال)	بودجه دولت به قیمت جاری (میلیارد ریال)	نسبت یارانه ها به بودجه دولت (درصد)	نسبت یارانه ها به درآمد مالیاتی (درصد)	نسبت یارانه ها به تولید ناخالص داخلی (درصد)	یارانه سرانه به قیمت جاری (میلیون ریال)	یارانه سرانه به قیمت ثابت (میلیون ریال)
۱۳۸۱	۱۳۱۵۳	۲۲۹۹۶۳	۵/۷	۲۶	۱/۸	۱۹۸۳۸۶/.	۱/۸۱
۱۳۸۲	۱۹۳۲۳	۲۶۳۳۷۵	۷/۳	۲۹/۷	۲/۱	۲۸۷۰۵۳/.	۲/۲۷
۱۳۸۳	۲۷۵۳۸	۳۲۷۳۱۸	۸/۴	۳۲/۶	۲/۴	۴۰۲۹۲۶/.	۲/۷۷
۱۳۸۴	۵۱۸۴۰	۴۷۰۹۹۰	۱۱	۵۰/۵	۳/۸	۷۴۷۰۸۲/.	۴/۶۵
۱۳۸۵	۵۷۶۳۱	۵۷۴۹۸۹	۱۰	۴۵/۹	۳/۵	۸۱۷۵۱۳/.	۴/۵۵
۱۳۸۶	۵۴۶۸۴	۶۲۹۶۰۹	۸/۷	۳۳/۶	۲/۸	۷۶۴۴۶۶/.	۳/۵۹
۱۳۸۷	۸۵۴۳۴	۸۰۳۴۱۸	۱۰/۶	۴۲/۱	۳/۴	۱/۱۷۷۰۳۲	۴/۴۱
۱۳۸۸	۶۹۱۵۳	۸۴۵۲۷۳	۸/۲	۲۶/۳	۲/۴	۹۳۹۵۷۷/.	۳/۱۸
۱۳۸۹	۱۱۴۹۵۳	۸۹۶۰۷۴	۱۲/۸	۴۰/۴	۲/۶۷	۱/۵۴۰۹۲۵	۴/۶۴
۱۳۹۰	۳۹۳۵۷۴	۱۲۸۴۶۵۶	۳۰/۶	۱۰۹/۵	۶/۴۴	۵/۲۳۷۱۷۹	۱۲/۹۹
۱۳۹۱	۴۵۴۹۶۲	۱۰۴۵۷۹۶	۴۳/۵	۱۱۵/۱	۶/۷۳	۵/۹۸۳۳۵۰	۱۱/۳۷
۱۳۹۲	۵۳۵۴۲۰	۱۴۷۶۷۷۳	۳۶/۳	۱۰۸/۳	۵/۴۴	۶/۹۵۸۷۴۸	۹/۸۱
۱۳۹۳	۵۴۸۲۵۰	۱۷۸۳۲۴۴	۳۰/۷۴	۷۷/۲۶	۴/۸۷	۷/۰۴۱۸۴۶	۸/۵۹
۱۳۹۴	۵۶۳۶۲۰	۲۰۱۷۰۷۸	۲۷/۹۴	۷۱/۱۷	۵/۰۶	۷/۱۵۴۹۹۰	۷/۸۰۱
۱۳۹۵	۵۷۵۳۲۰	۲۸۳۷۵۹۱	۲۰/۲۷	۵۷	۴/۵۲	۷/۱۹۸۱۵۸	۷/۱۹۸
۱۳۹۶	۶۰۱۲۳۰	۳۲۰۰۲۷۷	۱۸/۷۹	۵۱/۹	۴/۰۶	۷/۴۱۳۴۴۰	۶/۷۶۱

مأخذ: با استفاده از آمار و اطلاعات قوانین بودجه سال‌های مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها.

محاسبه خط فقر

بطور کلاسیک پرداخت‌های یارانه‌ای فشار به اقشار ضعیف جامعه در مقابل سیاست‌های اعمال شده در اقتصاد شامل فشارهای قیمتی، درآمدی و ... را کاهش داده و منجر به بهبود وضعیت معیشتی آنان می‌گردد. این شرایط موجبات کاهش نابرابری‌ها را فراهم نموده و در صورت ثابت بودن سایر شرایط اقتصادی، افزایش رفاه اجتماعی را به همراه خواهد داشت. لذا در ادامه بحث بدلیل ارتباط مبحث خط فقر با موضوع رفاه اجتماعی به محاسبه خط فقر در ایران طی یک دوره ۹۶-۱۳۶۳ پرداخته می‌شود.

یکی از شیوه‌های محاسبه خط فقر استفاده از میانه‌آماري است. در این روش؛ خانوار میانه داده‌ها تعیین و پس از آن، هزینه انجام شده توسط خانوار مذکور بعنوان هزینه میانه، مورد استناد قرار گرفته و پس از آن نصف (برخی از کشورها دو سوم هزینه خانوار مذکور) آن را بعنوان چارک اول یا خط فقر نسبی تلقی می‌نمایند.

فرض اساسی در استفاده از این روش، نرمال بودن توزیع درآمد در کشور است به عبارت دیگر چنانچه توزیع درآمد در کشور بصورت نرمال باشد می‌توان از روش چارک اول برای تعیین خط فقر نسبی استفاده نمود. در صورت وجود چولگی در توزیع درآمد، باید تعدیلی در این روش صورت پذیرد. بدلیل اینکه در اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته همواره میانه هزینه‌ای خانوارها پایین‌تر از میانگین آن قرار داشته لذا توزیع درآمد (هزینه) طی سال‌های مورد نظر بصورت چوله راست بوده است. یعنی گروه‌های زیادی از خانوارهای جامعه در سطوح پایین هزینه‌ای هستند. بنابراین برای محاسبه خط فقر در اقتصاد ایران بجای استفاده از میانه هزینه‌ای خانوارها، باید از میانگین هزینه‌ای خانوارها استفاده گردد.

براساس آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶، متوسط هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری در حدود ۳۲۹/۵ میلیون ریال و چنانچه نصف رقم مذکور، چارک اول هزینه‌ای تلقی گردد لذا خط فقر نسبی در سال ۱۳۹۶ در حدود ۱۶۴/۸ میلیون ریال خواهد بود.

با عنایت به اینکه چهارگروه اول هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۶ هزینه‌های آنها پایین‌تر از رقم مذکور می‌باشد لذا چهار گروه فوق زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند. حال با عنایت به تعداد خانوار در گروه‌های مذکور (۵۹۵، ۶۸۴، ۸۵۰ و ۲۳۷۲) و متوسط بعد خانوار در چهار گروه فوق (۲/۵۷، ۲/۰۹، ۲/۹۳ و ۳/۲۵) لذا حدود ۲۰/۶ درصد افراد مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۶ زیر خط فقر نسبی بسر

برده‌اند. با تعمیم نمونه‌گیری مرکز آمار ایران به کل جمعیت شهری کشور (۶۰/۲۸ میلیون نفر)، در سال ۱۳۹۶ در حدود ۱۲/۴۲ میلیون نفر در مناطق شهری زیر خط فقر نسبی بوده‌اند.

برای مناطق روستایی متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۹۶ حدود ۱۷۸/۷ میلیون ریال و اگر نصف رقم مذکور، چارک اول در نظر گرفته شود، خط فقر نسبی حدود ۸۶/۳۴ میلیون ریال خواهد بود. لذا سه گروه اول هزینه‌ای مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۹۶، هزینه آنها پایین‌تر از رقم مذکور قرار می‌گیرند. حال با توجه به تعداد خانوار گروه‌های مذکور (۱۳۱۷، ۲۱۷۱ و ۱۲۷۴) و متوسط بعد خانوار در سه گروه فوق (۱/۶۱، ۲/۸۲ و ۳/۳۵) در حدود ۱۸/۱۹ درصد مناطق روستایی در سال ۱۳۹۶ زیر خط فقر نسبی بسر بوده‌اند. با پذیرش تعمیم نمونه به کل جمعیت روستایی کشور (۲۰/۷۹ میلیون نفر) در سال ۱۳۹۶ در حدود ۳/۷۸ میلیون نفر در مناطق روستایی زیر خط فقر نسبی بوده‌اند. بر اساس استفاده از روش میانگین هزینه‌ای برای تعیین خط فقر نسبی در سال ۱۳۹۶ در مناطق شهری و روستایی کشور در حدود ۱۶/۲ میلیون نفر (در حدود ۱۹/۹۸ درصد) زیر خط فقر نسبی بسر برده‌اند. جهت طراحی یک سری زمانی برای خط فقر نسبی طی سال‌های ۹۶-۱۳۶۳ نیز با استفاده از همین روش، خط فقر نسبی محاسبه و در جدول ذیل آورده شده است.

جدول شماره (۲): محاسبه خط فقر نسبی خانوارهای شهری و روستایی براساس روش استفاده از میانگین هزینه‌ای

سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
میانگین هزینه سالانه شهری (میلیون ریال)	۱۲۴۱	۱۲۸۰	۱/۳۲	۱/۴۹	۱/۸	۲/۰۹	۲/۲۹	۳/۰۶	۳/۷۹
میانگین هزینه سالانه روستایی (میلیون ریال)	۱/۶۷۱	۱/۶۷۸	۱/۷۶۲	۱/۹۱	۱/۰۶	۱/۳۱	۱/۶۳	۱/۹۳	۲/۳۱
خط فقر نسبی سالانه شهر (میلیون ریال)	۱/۶۲۰	۱/۶۴۰	۱/۶۵۷	۱/۷۴۴	۱/۹	۱/۰۴	۱/۱۵	۱/۵۳	۱/۸۹
خط فقر نسبی سالانه روستا (میلیون ریال)	۱/۳۳۵	۱/۳۳۹	۱/۳۸۱	۱/۴۵۴	۱/۵۲۹	۱/۶۵۴	۱/۸۱۴	۰/۹۶۵	۱/۱۶
تعداد افراد زیر خط فقر در شهر (هزار نفر)	۱۷/۴۲	۱۶/۴	۲/۹	۴/۹۸	۵/۱	۵/۲	۱۲/۶	۱۶/۹	۱۱
تعداد افراد زیر خط فقر در روستا (هزار نفر)	۱۵/۹۷	۱۳/۷	۳/۴	۳/۶	۳/۶	۵/۵	۱۵/۳	۱۹/۴	۱۳/۲
تعداد کل افراد نمونه در شهر (هزار نفر)	۷۰/۷	۶۷/۱	۱۳/۲	۱۹/۹	۱۹/۹	۲۶/۹	۴۶/۴	۴۶/۸	۴۶/۱
تعداد کل افراد نمونه در روستا (هزار نفر)	۶۷/۱	۷۰/۶	۱۶/۳	۱۶/۶	۲۴/۳	۳۴/۴	۵۴/۲	۵۵/۱	۵۳/۷
افراد زیر خط فقر در شهر (درصد)	۲۴/۶	۲۴/۵	۲۲	۲۵/۵	۲۶	۱۹	۲۷/۲	۳۶/۱	۲۳/۹
افراد زیر خط فقر در روستا (درصد)	۲۳/۸	۱۹/۴	۱۷	۲۲	۱۵	۱۶	۲۸/۳	۳۵/۲	۲۴/۶

ادامه جدول شماره ۲

سال	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
میانگین هزینه سالانه شهری (میلیون ریال)	۴/۶۱	۶/۲۴	۸/۸۸	۱۱/۰۶	۱۳/۳۴	۱۶/۶۷	۲۰/۷۰	۲۴/۱۸	۲۸/۰۲
میانگین هزینه سالانه روستایی (میلیون ریال)	۲/۷۳	۳/۸۹	۵/۹۵	۶/۹۹	۸/۵۰	۱۰/۸	۱۳/۶۴	۱۵/۶۷	۱۷/۲۳
خط فقر نسبی سالانه شهر (میلیون ریال)	۲/۳۱	۳/۱۲	۴/۴۴	۵/۵۳	۶/۶۷	۸/۳۳۵	۱۰/۳۵	۱۲/۰۹	۱۴/۰۱
خط فقر نسبی سالانه روستا (میلیون ریال)	۱/۳۷	۱/۹۵	۲/۹۸	۳/۵۰	۴/۲۵	۵/۴	۶/۸۲	۷/۸۴	۸/۶۲
تعداد افراد زیر خط فقر در شهر (هزار نفر)	۴/۶	۱۳/۴	۱۹/۳	۱۲/۳۶	۱۲/۷	۶/۲۲	۱۰/۲۱	۱۳/۰۱	۹/۵۳
تعداد افراد زیر خط فقر در روستا (هزار نفر)	۵/۷	۸	۱۴/۱۷	۱۱/۰۵	۱۱/۶	۱۰/۴۰	۲۰/۲۲	۱۵/۲	۱۷/۲۶
تعداد کل افراد نمونه در شهر (هزار نفر)	۳۳/۱	۶۰/۰۹	۱۰۰/۸	۵۲/۶۹	۵۲/۱	۳۹/۱	۶۰/۶۰	۵۵/۶۹	۵۵/۱۵
تعداد کل افراد نمونه در روستا (هزار نفر)	۳۳/۱	۴۳/۹۶	۹۲/۸	۶۱/۰۹	۵۹/۶	۴۹/۹	۷۹/۱۲	۷۷/۰۵	۷۵/۷۵
افراد زیر خط فقر در شهر (درصد)	۱۳/۷	۲۲/۳	۱۹/۱	۲۳/۴۵	۲۴/۳	۱۵/۹۱	۱۶/۸۴	۲۳/۳۵	۱۷/۲۷
افراد زیر خط فقر در روستا (درصد)	۱۷/۲	۱۸/۲	۱۵/۳	۱۸/۱	۱۹/۴	۲۰/۸۲	۲۵/۵۶	۱۹/۷۳	۲۲/۷۹

ادامه جدول شماره ۲

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
میانگین هزینه سالانه شهری (میلیون ریال)	۳۴/۹۷	۴۰/۹۹	۵۱/۵	۵۹/۲۴	۶۲/۲۹	۸۱/۲۹	۹۲/۲۱	۹۹/۱۹	۱۱۳/۶۸
میانگین هزینه سالانه روستایی (میلیون ریال)	۲۱/۴۰	۲۵/۶۸	۳۳/۵۴	۳۷/۵	۴۱/۷۵	۴۸/۸۵	۵۳/۹۹	۵۹/۲۶	۶۸/۴۸
خط فقر نسبی سالانه شهر (میلیون ریال)	۱۷/۴۹	۲۰/۴۹	۲۵/۷۴	۲۹/۶۲	۳۳/۶۴	۴۰/۶۵	۴۷/۱	۴۹/۶	۵۶/۸۴
خط فقر نسبی سالانه روستا (میلیون ریال)	۱۰/۷۰	۱۲/۸۴	۱۶/۷۷	۱۸/۷۵	۲۰/۷۹	۲۴/۴۲	۲۶/۹۹	۲۹/۶۳	۳۴/۲۴
تعداد افراد زیر خط فقر در شهر (هزار نفر)	۱۴/۲۳	۸/۸۹	۹/۹۳	۱۲	۱۱/۲۹	۱۶/۶۵	۱۴/۱۷	۱۲/۱۵	۱۵/۵۵
تعداد افراد زیر خط فقر در روستا (هزار نفر)	۱۲/۱۱	۱۰/۴	۱۲/۶۲	۱۴/۸۸	۱۴/۸۱	۱۵/۶۵	۲۰/۴۸	۱۷/۳۶	۱۲/۹۲
تعداد کل افراد نمونه در شهر (هزار نفر)	۶۶/۶۵	۴۸/۱۸	۴۹/۹	۵۳/۶	۵۶/۴۲	۵۸/۱۲	۷۴/۲۳	۷۰/۵۵	۶۹/۰۱
تعداد کل افراد نمونه در روستا (هزار نفر)	۸۶/۳۸	۵۹/۹۵	۶۲/۸۷	۶۶/۱	۷۷/۳۲	۷۵/۱۴	۸۴/۱۵	۷۷/۱۸	۸۰/۱
افراد زیر خط فقر در شهر (درصد)	۲۱/۳۵	۱۸/۴۶	۱۹/۹	۲۲/۸۲	۲۰/۰۲	۲۸/۶۴	۱۹/۱	۱۷/۲۳	۲۲/۵۴
افراد زیر خط فقر در روستا (درصد)	۱۴/۰۳	۱۷/۳۹	۲۰/۱	۲۲/۵۲	۱۹/۱۶	۲۰/۸۳	۲۴/۳۴	۲۲/۵	۱۶/۱۲

ادامه جدول شماره ۲

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	
میانگین هزینه سالانه شهری (میلیون ریال)	۱۳۲/۷۲	۱۶۴/۳	۲۰۶	۲۳۴/۹	۲۶۲/۴	۲۸۴/۸	۳۲۹/۵	
میانگین هزینه سالانه روستایی (میلیون ریال)	۸۳/۹۷	۱۰۸/۲	۱۲۹/۶	۱۳۸/۵	۱۴۶/۹۸	۱۵۶/۹	۱۷۸/۷	
خط فقر نسبی سالانه شهر (میلیون ریال)	۶۶/۳۶	۸۲/۱۵	۱۰۳	۱۱۷/۴۵	۱۳۱/۲	۱۴۲/۴	۱۶۴/۷۶	
خط فقر نسبی سالانه روستا (میلیون ریال)	۴۱/۹۹	۵۴/۱	۶۴/۸	۶۹/۳	۷۳/۴۹	۷۸/۴۵	۸۹/۳۴	
تعداد افراد زیر خط فقر در جامعه شهری (هزار نفر)	۷۵۶۱	۷۴۳۴/۱	۸۶۲۱/۸	۱۰۶۶۶	۷۸۸۲	۹۶۲۲	۱۲۴۲۰	
تعداد افراد زیر خط فقر در جامعه روستایی (هزار نفر)	۴۲۴۴	۴۳۱۸/۸	۲۵۵۹	۴۴۳۲	۳۷۳۴	۳۱۰۲	۳۷۸۱	
تعداد کل افراد در جامعه شهری (هزار نفر)	۵۳۶۴۷	۵۵۴۱۹	۵۶۳۲۹	۵۷۲۵۲	۵۸۱۹۲	۵۹۱۴۶	۵۳۶۴۷	
تعداد کل افراد در جامعه روستایی (هزار نفر)	۲۱۴۴۷	۲۰۶۵۶	۲۰۶۸۷	۲۰۷۱۸	۲۰۷۴۸	۲۰۷۳۱	۲۰۷۸۹	
افراد زیر خط فقر در جامعه شهری (درصد)	۱۴/۱	۱۳/۴۱	۱۵/۳	۱۸/۶۳	۱۳/۵۵	۱۶/۲۷	۲۳/۱۵	
افراد زیر خط فقر در جامعه روستایی (درصد)	۱۹/۸	۲۰/۹	۱۲/۴	۲۱/۴	۱۸	۱۵	۱۸/۲	

مأخذ: دو سطر اول از هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در سالهای ۹۶-۱۳۹۳ و بقیه سطرها یافته‌های تحقیق می‌باشد.

برای بهبود وضعیت زندگی خانوارهای زیر خط فقر در سال ۱۳۹۶ و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی می‌باید مبالغی بعنوان پرداخت‌های انتقالی به آنها اعطا شود. کسری خانوارهای زیر خط فقر در مناطق شهری و روستایی بصورت ذیل محاسبه می‌گردد.

جهت بهبود و ارتقا سطح زندگی گروه اول هزینه‌ای خانوارهای شهری (مبلغ متوسط هزینه سالانه یک خانوار در این گروه در سال ۱۳۹۶ حدود ۴۶/۰۶ میلیون ریال بوده است)، با توجه به اینکه خط فقر نسبی حدود ۱۶۴/۸ میلیون ریال می‌باشد برای هر خانوار این گروه در حدود ۱۱۸/۷ میلیون ریال نیاز خواهد بود. در صورت تعمیم نمونه به جامعه شهری کشور در این گروه هزینه‌ای (۱/۱۷ میلیون نفر) مجموع کسری گروه اول هزینه‌ای در حدود ۶۶/۴۵ هزار میلیارد ریال خواهد بود. کسری خانوارها در گروه دوم، سوم و چهارم هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۶ بر همین اساس به ترتیب مبلغ ۴۹/۱، ۴۳/۸ و ۴۷/۳۶ هزار میلیارد ریال خواهد بود. بدین ترتیب برای ارتقا سطح زندگی این خانوارها تا خط فقر نسبی، کشور نیازمند اعطا مبلغی در حدود ۲۰۶/۷ هزار میلیارد ریال برای سال ۱۳۹۶ به این خانوارها در چهار گروه هزینه‌ای بوده است.

کسری سه گروه اول هزینه‌ای خانوارهای روستایی برای بهبود و ارتقا سطح زندگی، تا سطح خط فقر نسبی در سال ۱۳۹۶ بر اساس روش فوق در حدود ۴۵ هزار میلیارد ریال بوده است. بدین ترتیب کسری خانوارهای شهری و روستایی برای بهبود و ارتقا سطح زندگی، تا سطح خط فقر نسبی برای چهار گروه اول هزینه‌ای مناطق شهری و سه گروه هزینه‌ای مناطق روستایی در سال ۱۳۹۶ در حدود ۲۵۱/۷ هزار میلیارد ریال بوده است.

لذا دولت برای رساندن خانوارهایی که در مناطق شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۹۶ زیر خط فقر بوده‌اند می‌باید علاوه بر پرداخت سرانه ۴۵۰ هزار ریال، مبلغ ۲۵۱/۷ هزار میلیارد ریال به کل این خانوارها، که جمعیتی بالغ بر ۱۶/۲ میلیون نفر می‌باشند را پرداخت نماید تا از زیر خط فقر رهایی یابند. در این شرایط راهی جز حذف یارانه گروه‌های بالای هزینه‌ای باقی نمی‌ماند که می‌باید کل جامعه برای اجرایی نمودن این تصمیم به کمک دستگاه‌های اجرایی کشور آمده و هر چه زودتر هدفمندکردن یارانه‌ها را عملیاتی نمایند. برای این کار می‌توان پس از توضیحات کافی به جامعه، با مراجعه به آراء عمومی مردم، کار را آغاز نمود. در این شرایط، توان دولت برای رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه افزایش یافته و موجبات کاهش بار مالی سنگینی که طی چندین سال گذشته بر دولت وارد شده را فراهم می‌نماید.

جدول شماره (۳) محاسبه کسری هزینه خانوارها تا خط فقر در سال ۱۳۹۶

مناطق	گروه های هزینه ای	کسری هزینه هر خانوار (میلیون ریال)	سهم تعداد افراد از کل نمونه (درصد)	میزان جمعیت در کل کشور (میلیون نفر)	مجموع کسری (میلیارد ریال)
شهری	گروه اول	۱۱۸/۷	۱/۹۳	۱/۱۷	۶۶۴۵۲
	گروه دوم	۷۶/۴	۲/۶۹	۱/۶۵	۴۹۱۲۲
	گروه سوم	۵۴/۷	۳/۶۷	۲/۳۴	۴۳۷۵۱
	گروه چهارم	۲۱/۲۲	۱/۴۴	۷/۲۵	۴۷۳۶۱
	جمع شهری	---	۲۰/۶	۱۲/۴۲	۲۰۶۶۸۷
روستایی	گروه اول	۶۰/۶	۳/۱۱	۱/۶۴۱	۲۴۱۰۳
	گروه دوم	۲۷/۸	۸/۹۱	۱/۸۵	۱۸۲۶۶
	گروه سوم	۶/۸۲	۶/۱۷	۱/۲۹	۲۶۲۷
	جمع روستایی	-	۱۸/۱۹	۳/۷۸	۴۴۹۹۶
جمع کل کشور		-			۲۵۱۶۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

در بیشتر کشورهای در حال توسعه بدلیل پایین بودن تولید ناخالص داخلی و همچنین چولگی راست در توزیع درآمد، سطح رفاه اجتماعی بسیار پایین می باشد لذا مبلغی که خط فقر نسبی را تعیین می نماید کمتر از مبلغی است که خط فقر مطلق ترسیم می کند. به بیان دیگر در کشورهای در حال توسعه مشکل اصلی، سوء تغذیه و فقر مزمن بوده و نابرابری شدید درآمدی در مراحل بعد از آن قرار می گیرد. به عبارت دیگر در اینگونه کشورها طیف وسیعی از جمعیت کشور قادر نیستند که مصرف خود را براساس الگوی تغذیه مناسب و نرمال تنظیم نمایند. در مقابل این کشورها، کشورهای صنعتی و پیشرفته بلحاظ حجم بالای تولید ناخالص داخلی، تا حدود زیادی موفق به حذف فقر مطلق در کشورهایشان شده اند و در چند دهه اخیر به کاهش نابرابری های درآمدی با اهرم های مختلف اقدام نموده اند. لذا کشورهایی که از سطح و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالایی برخوردارند گرچه سطح رفاه اجتماعی زندگی در آنها بالاست ولی سالانه درصدی از خانوارها را براساس معیار نصف میانگین هزینه خانوارها (برخی از کشورها، دو سوم میانگین هزینه خانوارها) را به عنوان خانوارهای زیر خط فقر تعیین می نمایند. به عبارت دیگر مبلغ تعیین کننده خط فقر نسبی در اینگونه کشورها (برعکس کشورهای در حال توسعه و فقیر که خط فقر مطلق تعیین شده برای بدست آوردن الگوی تغذیه

استاندارد، بالاتر از خط فقر نسبی می‌باشد) بسیار بالاتر از مبلغ تعیین کننده خط فقر مطلق در این کشورها می‌باشد.

با توجه وجود چولگی راست در نحوه توزیع درآمد در کشور، انتظار می‌رود که مبلغ تعیین کننده سالانه خط فقر مطلق بسیار بیشتر مبالغ تعیین شده برای خط فقر نسبی در مناطق شهری و روستایی (۱۶۴/۸ میلیون ریال مناطق شهری و ۸۹/۳۴ میلیون ریال مناطق روستایی) کشور باشد. لذا مبلغی بسیار بیشتر از ۲۵۱/۷ هزار میلیارد ریال، برای برطرف نمودن فقر مطلق در گروه‌های هزینه‌ای کشور در سال ۱۳۹۶ نیاز بوده است.

کنکاشی پیرامون دیدگاه‌های مختلف رفاه اجتماعی:

توزیع درآمد در اندیشه‌های مکاتب اقتصادی نقشی زیادی را از یونان باستان تا دوران معاصر ایفا نموده است. در این راستا هریک از مکاتب نظریات مختلفی را ابراز نموده اند. این نظریات را بطور کلی می‌توان به دو دسته، توزیع مبتنی بر عوامل تولید (که در آن فعالیت‌ها برای تولید و کسب درآمد از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد) و توزیع شخصی یا مقداری درآمد (که در آن فعالیت‌ها برای کسب درآمد در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد) تفکیک نمود.

اقتصاد همانگونه که به چگونگی تخصیص منابع اهمیت می‌دهد به بررسی شرایط حقیقی و اینکه تخصیص منابع چگونه باید توزیع شود نیز می‌پردازد. لذا عدالت اقتصادی نیز که بخشی از مقوله‌ی عدالت در جامعه می‌باشد در نظریات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد.

برای رسیدن به عدالت اقتصادی، اولین و ساده‌ترین برداشت و تحلیل از آن می‌تواند به اندیشه تساوی‌طلبی بینجامد. لذا این تفکر معتقد است که بهترین دولت، دولتی است که به توزیع نسبتاً برابر درآمد و ثروت میان اعضای جامعه همت نماید. زیرا چنانکه درآمد و ثروت به صورت برابر بین افراد توزیع شود باعث ایجاد رابطه مناسبی بین اعضا جامعه می‌شود.

یکی از مسایلی که این تفکر با آن مواجه خواهد بود وجود اذهان مختلف پیرامون بهتر شدن وضعیت افراد جامعه می‌باشد. در این شرایط بدلیل متفاوت بودن مطلوبیت افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، مساوی شدن کامل رفاه افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، هزینه‌های غیر قابل تصور و زیادی را به جامعه تحمیل خواهد نمود. به همین دلیل عده‌ای معتقد هستند که باید بجای توزیع برابر ثروت، می‌باید توزیع منابع و امکانات را بصورت مساوی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تقسیم نمود. در این شرایط عدالت برقرار است ولی چنانکه افرادی از جامعه از فرصت‌های برابر ایجاد شده

نخواستند استفاده نمایند شرط کارایی اقتصادی حکم می‌کند که اجازه استفاده از فرصت‌های خالی مانده در جامعه، به افراد دیگری داده شود. در این صورت تلفیقی بین کارایی و عدالت اقتصادی پدید می‌آید. اینکه چه درجه‌ای از کارایی و عدالت بکار گرفته می‌شود بستگی به ارزش‌ها و رجحان‌های ذهنی مردم، قوانین و مقررات حاکم بر آنان و نحوه کارکرد نهادهای موجود در جامعه خواهد داشت. در این راستا نظریات مختلفی توسط بنت میت و همچنین رالز ارایه گردیده است.^۲

چنانچه رفاه اجتماعی کل جامعه مهم تلقی شود در این صورت توابع رفاه اجتماعی بصورت خطی و از مجموع مطلوبیت افراد بدست می‌آید که در آن نحوه توزیع، اهمیتی نخواهد داشت. در این نظریه چنانچه مطلوبیت یک فرد کاهش و به همان میزان مطلوبیت فرد دیگری افزایش یابد تابع رفاه اجتماعی ثابت خواهد ماند.

ولی چنانچه رفاه اجتماعی جامعه به نحوه توزیع بین افراد جامعه ارتباط تنگاتنگی داشته باشد در این صورت توابع رفاه اجتماعی بصورت تابعی I_1 شکل از مجموع مطلوبیت افراد جامعه بدست می‌آید. در این شرایط هرچه سطوح مختلف مطلوبیت افراد جامعه به هم نزدیکتر باشد رفاه اجتماعی بالاتر است. به عبارت دیگر تابع رفاه اجتماعی بصورت تابعی از مینیمم مطلوبیت‌های تک تک افراد جامعه خواهد بود.

در صورت مهم بودن هر دو فاکتور مجموع مطلوبیت افراد و مطلوبیت‌های تک تک افراد جامعه توابع رفاه اجتماعی بصورت تابعی عادی همانند توابع کلاسیک مطلوبیت مصرف کننده خواهند بود.

باعنائیت به اینکه در تفکرات مرتبط به توزیع درآمد دو رویکرد کلی تولیدی و توزیعی در این زمینه وجود دارد لذا در ادامه این مقاله به مباحث مربوط به تولید و رشد اقتصادی و همچنین نابرابری (ضریب جینی) و روابط این دو متغیر مهم اقتصاد کلان پرداخته می‌شود.

فرضیه کوزنتس^۳!

سیمون کوزنتس نظریه خود پیرامون رشد اقتصادی و توزیع درآمد را برای اولین بار در سال ۱۹۴۵ ارائه نمود. بر اساس این نظریه، نابرابری درآمدی در مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش یافته و پس از رسیدن به رشد اقتصادی به سطحی معین، نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. کوزنتس در مطالعات خود

۲. جزوه درسی موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی، کارشناسی ارشد، دکتر صدر، دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۰.

۳. Kuzents hypothesis.

به این نتیجه می‌رسد که "سهم گروه‌های مرفه از تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی، بزرگتر است. بعنوان مثال ۵ درصد خانوارها در کشورهای در حال توسعه بیشتر از ۳۰ درصد از درآمد را جذب می‌نمایند در حالی که این نسبت در کشورهای پیشرفته در حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد بوده است. همچنین سهم گروه‌های متوسط در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال توسعه بزرگتر می‌باشد. کوزنتس عنوان می‌نماید که در بلندمدت که هنگامی که رشد اقتصادی به حجم معینی برسد نابرابری بعد از آن کاهش خواهد یافت"^۴

رشد اقتصادی به افزایش پیوسته تولید ناخالص داخلی یک کشور اطلاق می‌گردد. در نظریه‌های اقتصادی، رشد یا میسر بالقوه رشد یک مفهوم بلندمدت است. مدل‌های طراحی شده پیرامون رشد اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم تلاش نمودند که سطح و شیب میسر رشد اقتصادی را تعیین نموده و عوامل موثر بر آنها را شناسایی نمایند.

در مدل‌های رشد یکنواخت^۵ با فرض وجود تنها دو عامل کار و سرمایه، در واحدهای تولیدی، اثبات می‌شود که شیب تابع تولید بلندمدت همان نرخ سود می‌باشد و سهم سود از تولید، شیب تابع تولید بلندمدت در نقطه تعادل می‌باشد. لذا چنانچه کشوری در سطوح پایین تولید ملی بلندمدت خود قرار داشته باشد بدلیل اینکه در اوایل تابع تولید شیب آن زیاد است. تعادل در این نقاط منجر به سهم بالای سرمایه از تولید نسبت به نیروی کار می‌گردد. به همین دلیل یکی از عوامل موثر نرخ سود بالای پول در کشورهای در حال توسعه و فقیر، سطح پایین تولید در این کشورهاست. برعکس کشوری نظیر ژاپن که از سطح بالای تولید برخوردار می‌باشد (مقدار تولید در مجاورت ماکزیمم تابع تولید قرار دارد)، در آنجا شیب تابع تولید تقریباً نزدیک به صفر است. (سهم سرمایه از تولید در مقایسه با سهم دستمزد بسیار ناچیز می‌باشد). به همین دلیل نرخ سود پول در این کشور نزدیک به صفر می‌باشد. در این شرایط سرمایه‌داران کشورهای مذکور بدلیل جلوگیری از صفر شدن سهم سرمایه اقدام به انتقال سرمایه به کشورهای پیرامون خود می‌نمایند.

براساس مطالب فوق در مراحل اول تولید، بدلیل اینکه مرتباً شیب تابع تولید افزایش می‌یابد لذا سهم سرمایه از تولید افزایش و در نتیجه سهم دستمزد از تولید کاهش می‌یابد. لذا در مراحل اولیه

۴. Kuzentes's "Economic growth and income inequality, op.cit, (1955).pp.7-1۸.

۵. جزوه درسی اقتصاد کلان ۲، کارشناسی ارشد، دکتر درکوش، دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۰.

رشد اقتصادی، با ثابت بودن سایر عوامل؛ توزیع درآمد بدتر می شود. با حرکت روی تابع تولید (افزایش تولید) و در نتیجه کاهش شیب آن، سهم سرمایه کاهش و سهم دستمزد افزایش می یابد. نهایت این روند ماکزیمم تولید می باشد که در آنجا سهم سرمایه به صفر می رسد. به عبارت دیگر در نهایت تابع تولید، تمام سهم تولید به دستمزد تعلق می گیرد. این روند همان مسیر U شکل نظریه کوزنتس بصورت نظری است. براین اساس کشورهای که در سطوح پایین تولید قرار دارند (با فرض ثابت بودن عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...) با افزایش تولید، با بدتر شدن توزیع درآمد مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر افزایش تولید در این کشورها توزیع درآمد را نامناسب تر می نماید. و کاهش تولید منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان بجای استفاده از شاخص های نابرابری نظیر ضریب جینی از شاخص سن که یک شاخص رفاه اجتماعی محسوب می شود که ترکیبی از تولید و توزیع درآمد در آن نهفته است را برای ارزیابی وضعیت یک جامعه در سال های مختلف استفاده می نمایند.

در این شرایط چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد، باید بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است. چرا که بهتر شدن وضعیت توزیع درآمد الزاما به معنی بهبود در رفاه اجتماعی نخواهد بود. همچنین در شرایطی که تولید در وضعیت رکود بسر می برد، باید بررسی شود که توزیع درآمد در آن جامعه نسبت به سال قبل چگونه تغییر نموده است. در برخی از شرایط، کاهش نابرابری، بواسطه کاهش تولیدات کل جامعه و رکود اقتصادی حاصل می شود که این امر به منزله گسترش فقر در جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر همانگونه که در شرایطی افزایش تولید منجر به افزایش نابرابری می گردد. با فرض همان شرایط، کاهش تولید و رکود اقتصادی نیز منجر به کاهش نابرابری و بهبود در توزیع درآمد خواهد شد.

براساس مطالب فوق در برنامه ریزی های صورت گرفته برای رسیدن به اهداف توسعه در اینگونه کشورها می باید دقت لازم در ترسیم اهداف اقتصادی صورت پذیرد. به عبارت دیگر چنانچه کشوری در مراحل اولیه رشد اقتصادی خود قرار دارد، نمی توان همزمان رشد اقتصادی بالا به همراه مناسبتر شدن توزیع درآمد در اهداف برنامه های توسعه را مد نظر قرار داد.

ضریب جینی

برای تجزیه و تحلیل میزان نابرابری، شیوه‌های مختلفی بوسیله اقتصاددانان بکار گرفته شده که یکی از آنها ضریب جینی که از متداول‌ترین شاخص‌های نابرابری درآمد است. شاخصی که دارای کمیتی بین صفر (عدم وجود نابرابری) و یک (نابرابری در نهایت خود) می‌باشد. در این شاخص چنانچه منابع مالی و یا درآمدی از افراد یا گروه‌های مرفه جامعه به افراد یا گروه‌های آسیب پذیر منتقل شود موجبات کاهش در شاخص مذکور شده و کمیت مطلق آن، به نحوه توزیع درآمد در گروه‌های میانی جامعه حساس می‌باشد. در توصیف ضریب جینی بصورت شکل هندسی این شاخص بصورت ذیل تعریف می‌شود.

انتگرال سطح بین خط ۴۵ درجه با منحنی لورنز تقسیم بر انتگرال سطح بین خط ۴۵ درجه بامحور X ها. لذا فرمول جبری ضریب جینی را به صورت زیر می‌توان نوشت

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (x_i - x_{i-1}) * (y_i + y_{i+1})$$

برای محاسبه شاخص رفاه اجتماعی از شاخصی که بوسیله آمارتیا سن ارائه گردیده، در این مقاله استفاده شده است. شاخص رفاه اجتماعی توسط "سن" ترکیب تولید و توزیع را بطور همزمان مورد توجه قرار داده است. فرمول ارائه شده توسط آمارتیا سن به صورت ذیل می‌باشد.

$$W = Y(1-G)$$

که در آن

W = شاخص سن

Y = تولید

G = ضریب جینی

بررسی تحولات شاخص رفاه اجتماعی در مناطق شهری کشور طی سالهای ۹۶-۱۳۴۸

قبل از شروع بحث پیرامون شاخص رفاه اجتماعی باید یادآوری گردد که بدلیل عدم انجام نمونه‌گیری هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ توسط مرکز آمار ایران، برای بدست آوردن آمار و اطلاعات در دو سال فوق، از میانگین سال قبل و بعد از آن بعنوان جانشین آنها استفاده شده است. بعنوان مثال برای بدست آوردن آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری در سال ۱۳۵۷، از میانگین سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ استفاده شده است.

آمار و اطلاعات جدول شماره ۴ نتایج بدست آمده از بررسی شاخص رفاه اجتماعی طی نیم قرن در مناطق شهری کشور را نشان می‌دهد. پایین‌ترین رقم شاخص رفاه اجتماعی با ۴۴/۸ واحد در سال ۱۳۴۸ و بالاترین رقم این شاخص با ۱۰۲/۲ واحد در سال ۱۳۸۶ بوقوع پیوسته است. در سال‌های بعد از ۱۳۸۶، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب جینی در مناطق شهری کشور، بدلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (بجز سال ۱۳۸۹)، شاخص رفاه اجتماعی با کاهش قابل توجهی طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۷ مواجه شده است. رقم این شاخص در سال ۱۳۹۶ به ۸۵ واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۳۸۲ می باشد.

در سال ۱۳۶۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۱۱/۲- درصد کاهش یافته و افزایش ضریب جینی در این سال در حدود ۱۵/۱- واحد بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۲ درصد و کاهش ضریب جینی در این سال در حدود ۵/۱- واحد بوده است.

بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی قبل از انقلاب در سال‌های ۱۳۴۹، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ بوقوع پیوسته است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های فوق به ترتیب ۱۷/۴، ۴۳/۳ و ۳۰ واحد بوده بوده و پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در این دوره در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲ بوقوع پیوسته است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در دو سال فوق به ترتیب ۸/۵۴- و ۱۰/۲- واحد بوده است.

بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی پس از انقلاب، در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۷۰، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ و ۱۳۹۶ ایجاد شده است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های فوق به ترتیب ۶/۹۸، ۸/۷۸، ۶/۳۷، ۶/۷۸، ۷/۸۶، ۷/۹۴ و ۴/۴۵ واحد بوده و باید اشاره نمود که در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ بهبود در شاخص رفاه اجتماعی در کشور با افزایش متوسط هزینه‌های واقعی

خانوارها، به همراه بهبود در توزیع درآمد (کاهش در ضریب جینی) نیز در اقتصاد ایران بوقوع پیوسته است.

پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی پس از انقلاب، در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۷۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ ایجاد شده است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های فوق به ترتیب ۱۶/۲-، ۱۱/۳-، ۵۲/۹-، ۳۴/۵- و ۵/۶- واحد بوده است. قابل ذکر است که طی نیم قرن تنها در دوره ده سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی منفی نبوده است.

میانگین و انحراف معیار شاخص رفاه اجتماعی طی نیم قرن به ترتیب ۷۶/۲ و ۱۴/۸ بوده است. چنانچه میانگین شاخص رفاه اجتماعی بعلاوه و منهای دو برابر انحراف برای دامنه خارج از نرمال استاندارد محاسبه شود (۱۰۵/۸ و ۴۶/۶) ملاحظه می‌شود که با وجود نوسانات زیاد در این شاخص، در هیچ سالی (به استثنای سال ۱۳۴۸) شاخص رفاه اجتماعی (با وجود اعمال سیاست‌های متضاد توسط دولت‌های مختلف طی نیم قرن) از دامنه نرمال استاندارد خارج نشده است.

جدول شماره ۴. روند شاخص رفاه اجتماعی، ضریب جینی و متوسط هزینه واقعی خانوارهای مناطق شهری کشور طی سال‌های ۹۶-۱۳۴۸ (ثابت ۱۳۹۵)

شاخص رفاه اجتماعی	رفاه اجتماعی آمارتیا سن	متوسط هزینه واقعی خانوارها (میلیون ریال)	شاخص تورم (درصد)	ضریب جینی	متوسط هزینه خانوارها (میلیون ریال)	سال
۴۴,۸	۹۸۳۶	۱۷۵	۰,۰۵۲	۰,۴۳۷۰	۰,۰۹۰۸	۱۳۴۸
۵۲,۶	۱۱۵۴۴	۲۰۷	۰,۰۵۶	۰,۴۴۲۰	۰,۱۱۶	۱۳۴۹
۴۸,۱	۱۰۵۵۸	۱۹۸	۰,۰۵۶	۰,۴۶۸۰	۰,۱۱۱	۱۳۵۰
۵۴,۰	۱۱۸۵۳	۲۲۰	۰,۰۶۰	۰,۴۶۱۰	۰,۱۳۲	۱۳۵۱
۴۸,۵	۱۰۶۴۷	۲۰۴	۰,۰۶۹	۰,۴۷۸۰	۰,۱۴۱	۱۳۵۲
۶۹,۶	۱۵۲۶۲	۳۰۵	۰,۰۷۷	۰,۴۹۹۰	۰,۲۳۵	۱۳۵۳
۹۰,۴	۱۹۸۳۶	۳۹۸	۰,۰۸۵	۰,۵۰۲۰	۰,۳۳۹	۱۳۵۴
۸۳,۸	۱۸۳۸۶	۳۸۵	۰,۱۰	۰,۵۲۲۰	۰,۳۸۸	۱۳۵۵
۷۳,۲	۱۶۰۵۶	۳۵۱	۰,۱۳	۰,۵۴۲	۰,۴۳۸	۱۳۵۶
۷۵,۷	۱۶۶۰۹	۳۵۳	۰,۱۴	۰,۵۲۹۱	۰,۴۸۳	۱۳۵۷
۷۶,۲	۱۶۷۰۶	۳۴۵	۰,۱۵	۰,۵۱۶۱	۰,۵۲۸	۱۳۵۸
۷۲,۹	۱۵۹۹۰	۲۸۷	۰,۱۹	۰,۴۴۳۱	۰,۵۴۶	۱۳۵۹
۷۶,۸	۱۶۸۳۷	۳۰۵	۰,۲۳	۰,۴۴۸۶	۰,۷۱۵	۱۳۶۰
۷۹,۱	۱۷۳۴۸	۳۱۸	۰,۲۸	۰,۴۵۴۱	۰,۸۸۳	۱۳۶۱
۸۴,۶	۱۸۵۶۰	۳۴۹	۰,۳۲	۰,۴۶۸۱	۱,۱۱	۱۳۶۲
۸۵,۷	۱۸۷۹۶	۳۴۹	۰,۳۶	۰,۴۶۲۱	۱,۲۴	۱۳۶۳
۸۲,۴	۱۸۰۶۵	۳۳۸	۰,۳۸	۰,۴۶۵۱	۱,۲۸	۱۳۶۴
۶۹,۰	۱۵۱۳۷	۲۸۱	۰,۴۷	۰,۴۶۱۱	۱,۳۱	۱۳۶۵

۱۳۶۶	۱,۴۹	۰,۴۶۱۸	۰,۶۰	۲۴۹	۱۳۴۲۱	۶۱,۲
۱۳۶۷	۱,۸۰	۰,۴۳۴۱	۰,۷۷	۲۳۴	۱۳۲۳۱	۶۰,۳
۱۳۶۸	۲,۰۹	۰,۴۳۱۳	۰,۹۰	۲۳۱	۱۳۱۳۸	۵۹,۹
۱۳۶۹	۲,۲۹	۰,۴۴۵۲	۰,۹۸	۲۳۲	۱۲۹۳۳	۵۹,۰
۱۳۷۰	۳,۰۶	۰,۴۵۳۱	۱,۲	۲۵۷	۱۴۰۶۹	۶۴,۱
۱۳۷۱	۳,۸۰	۰,۴۲۱۹	۱,۵	۲۵۶	۱۴۸۲۷	۶۷,۶
۱۳۷۲	۴,۶۱	۰,۴۲۵۱	۱,۸	۲۵۴	۱۴۶۱۹	۶۶,۶
۱۳۷۳	۶,۲۴	۰,۴۱۵۱	۲,۵	۲۵۴	۱۴۸۶۷	۶۷,۸
۱۳۷۴	۸,۸۸	۰,۴۴۴۸	۳,۷	۲۴۲	۱۳۴۵۲	۶۱,۳
۱۳۷۵	۱۱,۱	۰,۴۳۹۱	۴,۵	۲۴۵	۱۳۷۲۹	۶۲,۶
۱۳۷۶	۱۳,۳	۰,۴۲۰۳	۵,۳	۲۵۲	۱۴۶۰۳	۶۶,۶
۱۳۷۷	۱۶,۷	۰,۴۱۴۶	۶,۳	۲۶۶	۱۵۵۹۳	۷۱,۱
۱۳۷۸	۲۰,۷	۰,۴۱۲۸	۷,۵	۲۷۵	۱۶۱۷۴	۷۳,۷
۱۳۷۹	۲۴,۲	۰,۴۱۱۰	۸,۵	۲۸۶	۱۶۸۲۷	۷۶,۷
۱۳۸۰	۲۸	۰,۴۱۹۹	۹,۴	۲۹۷	۱۷۲۴۳	۷۸,۶
۱۳۸۱	۳۵	۰,۴۱۹۵	۱۰,۹	۳۲۰	۱۸۵۹۹	۸۴,۸
۱۳۸۲	۴۱	۰,۳۹۹۶	۱۲,۶	۳۲۵	۱۹۴۹۵	۸۸,۹
۱۳۸۳	۵۱,۵	۰,۴۰۵۵	۱۴,۵	۳۵۴	۲۱۰۴۳	۹۵,۹
۱۳۸۴	۵۹,۲	۰,۴۰۵۸	۱۶,۰	۳۶۹	۲۱۹۳۵	۱۰۰,۰
۱۳۸۵	۶۷,۳	۰,۴۱۵۶	۱۸,۰	۳۷۵	۲۱۹۰۰	۹۹,۸
۱۳۸۶	۸۱,۳	۰,۴۱۳۶	۲۱,۳	۳۸۲	۲۲۴۱۶	۱۰۲,۲
۱۳۸۷	۹۴,۲	۰,۳۸۶۷	۲۶,۷	۳۵۳	۲۱۶۷۳	۹۸,۸
۱۳۸۸	۹۹,۲	۰,۳۸۹۳	۲۹,۵	۳۳۶	۲۰۵۱۶	۹۳,۵
۱۳۸۹	۱۱۴	۰,۳۸۴۱	۳۳,۲	۳۴۳	۲۱۰۹۶	۹۶,۲
۱۳۹۰	۱۳۳	۰,۳۵۶۸	۴۰,۳	۳۲۹	۲۱۱۷۱	۹۶,۵
۱۳۹۱	۱۶۴	۰,۳۵۴۲	۵۲,۶	۳۱۲	۲۰۱۵۶	۹۱,۹
۱۳۹۲	۲۰۶	۰,۳۵۱۳	۷۰,۹	۲۹۱	۱۸۸۴۷	۸۵,۹
۱۳۹۳	۲۳۵	۰,۳۶۰۹	۸۱,۹	۲۸۷	۱۸۳۱۷	۸۳,۵
۱۳۹۴	۲۶۲	۰,۳۶۸۱	۹۱,۷	۲۸۶	۱۸۰۷۹	۸۲,۴
۱۳۹۵	۲۸۴,۸	۰,۳۷۳۰	۱۰۰	۲۸۴,۸	۱۷۸۵۸	۸۱,۴
۱۳۹۶	۳۲۹,۵	۰,۳۷۹۳	۱۰۹,۷	۳۰۱	۱۸۶۵۴	۸۵,۰

مأخذ: ستون اول و دوم از هزینه، درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران، ستون سوم، بانک مرکزی و بقیه ستونها یافته های تحقیق می باشد.

جدول شماره ۵. نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها، ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری کشور طی سال‌های ۹۶-۱۳۴۸ (درصد)

سال	نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها	نرخ رشد ضریب جینی	نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی
۱۳۴۹	۱۸.۴	۱.۱۴	۱۷.۴
۱۳۵۰	-۴.۱	۵.۸۸	-۸.۵۴
۱۳۵۱	۱۰.۸	-۱.۵۰	۱۲.۳
۱۳۵۲	-۷.۲	۳.۶۹	-۱۰.۱۷
۱۳۵۳	۴۹.۴	۴.۳۹	۴۳.۳
۱۳۵۴	۳۰.۸	۰.۶۰	۳۰
۱۳۵۵	-۳.۴	۳.۹۸	-۷.۳۱
۱۳۵۶	-۸.۹	۳.۸۳	-۱۲.۷
۱۳۵۷	۰.۶	-۲.۳۸	۳.۴۴
۱۳۵۸	-۲.۱	-۲.۴۶	۰.۵۸
۱۳۵۹	-۱۶.۸	-۱۴.۱	-۴.۲۸
۱۳۶۰	۶.۳	۱.۲۴	۵.۲۹
۱۳۶۱	۴.۱	۱.۲۳	۳.۰۴
۱۳۶۲	۹.۸	۳.۰۸	۶.۹۸
۱۳۶۳	۰.۱	-۱.۲۸	۱.۲۷
۱۳۶۴	-۳.۴	۰.۶۵	-۳.۸۹
۱۳۶۵	-۱۶.۸	-۰.۸۶	-۱۶.۲
۱۳۶۶	-۱۱.۲	۰.۱۵	-۱۱.۳
۱۳۶۷	-۶.۲	-۶.۰۰	-۱.۴۲
۱۳۶۸	-۱.۲	-۰.۶۵	-۰.۷۰

۱۳۶۹	۰.۹	۳.۲۲	-۱.۵۶
۱۳۷۰	۱۰.۴	۱.۷۷	۸.۷۸
۱۳۷۱	-۰.۳	-۶.۸۹	۵.۳۸
۱۳۷۲	-۰.۹	۰.۷۶	-۱.۴۰
۱۳۷۳	-۰.۰۴	-۲.۳۵	۱.۶۹
۱۳۷۴	-۴.۷	۷.۱۵	-۹.۵۲
۱۳۷۵	۱.۰	-۱.۲۸	۲.۰۶
۱۳۷۶	۲.۹	-۴.۲۸	۶.۳۷
۱۳۷۷	۵.۷	-۱.۳۶	۶.۷۸
۱۳۷۸	۳.۴	-۰.۴۳	۳.۷۳
۱۳۷۹	۳.۷	-۰.۴۴	۴.۰۴
۱۳۸۰	۴.۰	۲.۱۷	۲.۴۷
۱۳۸۱	۷.۸	-۰.۱۰	۷.۸۶
۱۳۸۲	۱.۳	-۴.۷۴	۴.۸۲
۱۳۸۳	۹.۰	۱.۴۸	۷.۹۴
۱۳۸۴	۴.۳	۰.۰۷	۴.۲۴
۱۳۸۵	۱.۵	۲.۴۱	-۰.۱۶
۱۳۸۶	۲.۰	-۰.۴۸	۲.۳۶
۱۳۸۷	-۷.۶	-۶.۵۰	-۳.۳۱
۱۳۸۸	-۴.۹	۰.۶۷	-۵.۳۴
۱۳۸۹	۲.۰	-۱.۳۴	۲.۸۳
۱۳۹۰	-۳.۹	-۷.۱۱	۰.۳۵
۱۳۹۱	-۵.۲	-۰.۷۳	-۴.۷۹
۱۳۹۲	-۶.۹	-۰.۸۲	-۶.۵۰
۱۳۹۳	-۱.۴	۲.۷۳	-۲.۸۱
۱۳۹۴	-۰.۲	۲.۰۰	-۱.۳۰
۱۳۹۵	-۰.۴	۱.۳۳	-۱.۲۲
۱۳۹۶	۵.۵	۱.۶۹	۴.۴۵

برای تعیین اثرات اجزای شاخص رفاه اجتماعی بطور معمول از مشتق کلی شاخص استفاده می‌شود. مشتق کلی شاخص سن را می‌توان به صورت ذیل نوشت

$$dw = (1 - G) dy - y dG$$

با استفاده از مشتق کلی فوق می‌توان تغییرات و نوسانات در رفاه اجتماعی را طی سال‌های مختلف مورد ارزیابی قرار داده و همچنین تغییرات در این متغیر را براساس تاثیر عوامل دوگانه تولید و توزیع درآمد مشخص نمود. جزئی اول مشتق، مربوط به تغییرات متوسط هزینه واقعی یک خانوار به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۵ و اثر آن بر رفاه اجتماعی و جزئی دوم آن مربوط به تغییرات ضریب جینی و اثر آن بر رفاه اجتماعی می باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نرخ رشد میانگین واقعی هزینه کل مناطق شهری به طور متوسط طی نیم قرن اخیر (۹۶-۱۳۴۸) در حدود ۱/۶ درصد افزایش یافته است. از طرف دیگر کاهش ۲۲٪ واحد درصدی در ضریب جینی طی این دوره، رشد حاصله را تحت تأثیر قرار داده، به‌گونه‌ای که به طور متوسط، افزایشی در حدود ۱/۸ درصدی در شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری را در پی داشته است. در توضیح این موضوع می‌توان عنوان نمود که همانگونه که در صفحات قبل به آن اشاره گردید باید توجه نمود که چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد، باید بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است. همچنین در دوره‌هایی که توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بدتر شده، باید بررسی شود که آیا تولید در این دوره زمانی افزایش یافته است؟

منابع و مآخذ

منابع فارسی:

- ۱- اسلامی، سیف‌الله، یارانه و خط فقر، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۹.
- ۲- اسلامی، سیف‌الله، اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر نابرابری، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اسفند ماه ۱۳۸۱.
- ۳- اسلامی، سیف‌الله، اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد، همایش اقتصاد ایران در گام نهم، وزارت امور اقتصادی و دارایی مردادماه ۱۳۸۵.
- ۴- اسلامی، سیف‌الله، بررسی تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه پیرامون توزیع درآمد، همایش برنامه پنجم توسعه؛ مجلس شورای اسلامی خردادماه ۱۳۸۹.

- ۵- اسلامی، سیف الله، نگرشی اقتصادی بر جنبش ضد وال استریت، مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، شماره ۸۷ سال یازدهم مهرماه ۱۳۹۰، مهرماه ۱۳۹۰.
- ۶- جزوه درس اقتصاد کلان ۲، کارشناسی ارشد، دکتر درکوش، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۰.
- ۷- جزوه درسی موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی، کارشناسی ارشد، دکتر صدر، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۰.
- ۸- شهیکی تاش، محمد نبی و صابر مولایی و الهام شیوایی، سنجش کاردینالی رفاه و ارزیابی اثر متغیرهای کلان بر تغییرات رفاه در ایران بر مبنای رگرسیون فازی، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۲.
- ۹- رئیس دانا، فریبرز، نقد و بررسی چند الگوی نظری در اقتصاد رفاه، فصلنامه رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی سال دوم شماره ۳، بهار ۱۳۸۱.
- ۱۰- صیادزاده، علی و سید محمد مهدی احمدی، بررسی تابع رفاه اجتماعی آماریاسن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی، نامه مفید، دانشگاه مفید، دی ماه ۱۳۸۵.
- ۱۱- جلالی، محسن، بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران، فصلنامه روند، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- ۱۲- اشرفی، یکتا و زینت گلی، بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضریب جینی و شاخص رفاه سن طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۶۸ مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی، اسفند ۱۳۸۷.
- ۱۳- نیلی، فرهاد، رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سالهای ۷۲-۱۳۶۱، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
- ۱۴- نیلی، مسعود، و علی فرحبخش، ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد، مجله برنامه و بودجه شماره ۳۴ و ۳۵، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۷.
- ۱۵- نیلی، فرهاد، رشد اقتصادی و توزیع درآمد، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۸ و ۳۹ سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۸.
- ۱۶- عادل زاده، رسول، بررسی روند شاخص های توزیع درآمد در استانهای کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی دوره ۸۴-۱۳۵۰، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران اسفندماه ۱۳۸۶.
- ۱۷- سامتی، مرتضی "عدالت اجتماعی و توزیع درآمد در ایران"، وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۷۵.
- ۱۸- جلالی، محسن، تجزیه ضریب جینی و کشش درآمدی آن در ایران، فصلنامه روند، تیرماه ۱۳۸۵.
- ۱۹- عادلی، محمد حسین و علی رنجبرکی، بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی شماره ۱۸ پائیز ۱۳۸۴.
- ۲۰- بهشتی، محمد و رضا صدیق، آزمون موتور رشد کالدور در اقتصاد ایران در دوره ۷۹-۱۳۳۸، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران شماره ۲۸، پائیز ۱۳۸۵.
- ۲۱- مرکز آمار ایران، هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۹۶-۱۳۴۸.

- ۱- Kuznetes's "Economic growth and Income Inequality, op. Cit, 1955, PP. 7-18.
- ۲- - Sen, A., *On Economic Inequality*, Oxford, Colrendon Press, 1973.
- ۳- AGHION, P. and BOLTON, P, "Distribution and Growth in Models of Imperfect Capital Markets," *European Economic Review*, 36, 1992.
- ۴- LARS P. FELD, JUSTINA A.V. FISCHER, GEBHARD KIRCHGÄSSNER, The Effect of Direct Democracy on Income Redistribution: Evidence for Switzerland Phillips-University of Marburg, University of St. Gallen and CESifo University of St. Gallen, SIAW-HSG , CESifo and Leopoldina.
- ۵- *Provisional data from OECD Income distribution and poverty database* Oct 18, **2011**.
- ۶- Saint-Paul, Gilles, and Thierry Verdier, "Inequality, Redistribution and Growth: A Challenge to the Conventional Political Economy Approach," *European Economic Review* 40, 1996.
- ۷- D. G. Champernowne, A Model of Income Distribution, the *Economic Journal*, Vol. 63, No. 250. Jun, 1953.